

اهداف ازدواج های

پیامبر اکرم (ص)

سید اسحاق شجاعی *

مقدمه

بسیاری از موضوعات و مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی معمولاً در حال تغییر و دگرگونی هستند. روزی به شکلی و روز دیگر، به شکلی دیگر ظهور و بروز میکنند و مورد پذیرش قرار می گیرند. چنان که یک مسئله اجتماعی در زمان واحد، در جوامع مختلف و از زمینه های گوناگون صورت های چندگانه پیدا می کند، در جامعه و سرزمینی، پذیرفته و پسندیده می شود و در جامعه ای دیگر، رد و ناپسند می گردد.

مساله چند همسری یا تعدد زوجات از مسائل اجتماعی و فرهنگی است که در طول تاریخ تابع زمان ها، جوامع و سرزمین های گوناگون بوده است، اگر به گذشته ها برگردیم و تاریخچه چند همسری را بررسی کنیم، در می یابیم که نظام چند همسری از گذشته های دور، که نظام خانواده بوجود آمده و تاریخ آن را ثبت کرده است، در تمام جوامع پذیرفته شده بوده است و به عنوان یک هنجار به آن عمل می کرده اند.

هم اکنون نیز در بسیاری از کشورهای جهان مخصوصاً کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین، مساله تعدد همسر به عنوان یک هنجار فرهنگی و اجتماعی پذیرفته شده است. ولی در بخش دیگری از کشورهای جهان که عمدتاً در آمریکای شمالی و اروپا قرار دارند، این مساله به چشم یک ناهنجاری نگاه می شود. و آن را برخلاف حقوق بشر و حقوق زن، قلمداد می کنند. اصولاً مساله تک همسری برخاسته از فرهنگ و تمدن جدید غرب است. اکنون این فرهنگ کم و بیش به قلمروهای دیگر جهان نیز گسترش یافته و در نظام فرهنگی و خانوادگی پذیرفته شده است. دشمنان اسلام، که نگران گسترش روز افزون اسلام در جوامع غربی هستند و از پیشرفت و اتحاد مسلمانان وحشت دارند، همیشه در پی دسیسه چینی بر ضد اسلام هستند، یک روز به بهانه تروریسم و خشونت هایی که از تجاوز و ستم های خودشان آنان در سراسر جهان ناشی شده، اسلام

* دانش پژوه دوره کارشناسی ارشد

را به ترویج جنگ ، خشونت ، و ترور متهم می کنند. روزی اسلام را دین ویژه عرب ها معرفی می کنند و روز دیگر...

از مواردی که دشمنان اسلام گاهی بر ضد اسلام تبلیغ می کنند، مساله چند همسری پیامبر اکرم (ص) است. آنان، بویژه شرق شناسان شان با توجه به ناهنجار بودن چند همسری در زمان کنونی، خصوصا در جوامع غربی تعدد ازدواج های پیامبر(ص) را ناشی از لذت طلبی و کامجویی آن حضرت می دانند و آن را به عنوان یک حربه و نقطه سیاه بر ضد اسلام علم می کنند و در ذهن برخی از مسلمانان ناآگاه از تاریخ اسلام و شخصیت رسول خدا(ص) نیز ایجاد سوال و مساله می نمایند.

پیامبر

ما در این تحقیق مختصر، در پی یافتن پاسخ این سوال هستیم، که چرا پیامبر اکرم (ص) زنان متعدد اختیار کرد؟ هدف پیامبر(ص) از این کار عیاشی و لذت طلبی بود یا اهداف دیگری داشت؟

نظر ما این است که ازدواج های پیامبر اکرم (ص) با اهداف مشخص سیاسی ، فرهنگی انسانی و خیرخواهانه انجام گرفته است و دامن پیامبر(ص) از نسبت های ناروای دشمنان پاک است. این مساله بخشی از زندگی و سیره رسول خدا(ص) می باشد، زندگی خانوادگی آن حضرت که به اندازه زندگی سیاسی و اجتماعی آن حضرت اهمیت تعیین کننده دارد. شناسایی فلسفه ازدواج های پیامبر(ص) بدون شناخت حوادث ۳۳ ساله زندگی پیامبر(ص) و تاریخ اسلام کامل نخواهد بود. این مساله را باید در تاریخ اسلام و سیره پیامبر اکرم (ص) جست و جو کرد و به تحلیل و ارزیابی آن پرداخت.

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

۱۱۶

از مسائلی که در بررسی تاریخ اسلام ، نظر پژوهشگران را نیز به خود جلب می کند، مساله تعدد ازدواج های رسول خدا (ص) بوده است. هم پژوهشگران سیره پیامبر(ص) و هم محققان تاریخ اسلام و هم مفسران در آیات مربوط به همسران پیامبر(ص) به این مساله پرداخته اند. مثلا مرحوم علامه طباطبایی در میزان در موارد متعددی به این مساله توجه کرده است. و نیز امام فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب خود به کنکاش پرداخته است. آثار مستقلی نیز در مورد فلسفه ازدواج های متعدد پیامبر (ص) بوجود آمده است، مانند: کتاب تراجم سیدات بیت النبوه از دکتر عایشه بنت الشاطی و دیگران ...

چند همسری پیش از اسلام

پیش از اسلام، داشتن چند همسر برای مرد در جهان از جمله در شبه جزیره عربستان یک هنجار بود. ازدواج های متعدد و داشتن چندین همسر، هم از جانب مردان و هم از جانب زنان پذیرفته شده بود. کمتر مردی پیدا می شد که به داشتن یک همسر قناعت کند و در مواردی داشتن چند و چندین همسر نشانه برتری و مایه افتخار می گردید.^۱

پیش از اسلام قبایل عرب دائما در حال نزاع و جنگ بودند، قبیله ها به یک دیگر می تاختند، اموال یکدیگر را غارت می کردند و زنان و دختران شان را به اسیری می بردند و به عنوان برده، در نزد خود نگه می داشتند و یا در بازارهای برده فروشی می فروختند. در این جنگ ها و تاخت و تازها آن قبیله ای از میدان پیروز باز می گشت که پسران بیشتری داشت. پسر بیشتر، قبیله را تواناتر می کرد. خوب می جنگیدند و خوب دفاع می کردند و سروری و بزرگی به دست می آوردند.

پس در شبه جزیره عرب پیش از اسلام داشتن پسر هم قدرت بود و هم ثروت و پسران بیشتر باعث افتخار و سربلندی خانواده و قبیله بودند. برای همین مردان هر قبیله سعی میکردند همسران بیشتری داشته باشند. این همسران اگر پسر می آوردند باعث خوشی می گردید اما اگر دختر می آوردند، باعث شرمندگی و سرشکستگی خانواده و قبیله بودند.^۲ اگر به مردی خبر می دادند که همسرت دختر به دنیا آورده است رنگش سیاه می شد و بدترین خبر بود برایش، زیرا پسران برای آنها می جنگیدند، ثروت و پیروزی و افتخار کسب می کردند، اما دختران نه تنها اهل جنگ نبودند، بلکه با اسیر شدن شان، باعث شکست قبیله خود می شدند.

حقوق و انسانیت زن در اسلام

اسلام از همان آغاز ظهور خود با زیر پا گذاشتن امتیازهای جاهلی چون جنس و رنگ و نژاد و ... شعار برابری انسان ها را سر داد و برتری را، نه در جنس و رنگ و نژاد و منطقه، بلکه در دانش و فضایل انسانی اعلام کرد: «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله لتقیکم»^۳. زنان که در جاهلیت جزء اموال مرد محسوب می شدند و دارای کمترین حقوقی نبودند، در اسلام دارای حقوق و انسانیت گردیدند. چنان که قرآن کریم در این مورد می فرماید: «انسی لا اسیع عمل عامل منکم من ذکر و انثی بعضکم من بعض»^۴

مفسر

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

به تبع شناسایی زن به عنوان یک انسان دارای حقوق ، اسلام برای ازدواج زنان نیز قانون جدید آورد . اسلام داشتن چند همسر را محدود و مشروط کرد. محدود به حداکثر چهار همسر ، در حالی که پیش از اسلام، اختیار همسر محدودیتی نداشت . یک مرد با هر تعداد زن که می خواست، می توانست ازدواج کند و مانعی وجود نداشت .^۶

از جانب دیگر، اختیار بیش از یک همسر را مشروط به رفتار کاملاً عادلانه مرد با زنان خود نمود، شرط رعایت عدالت عملاً دست همه مردان را از داشتن چند همسر بست . در عمل کمتر مردی پیدا می شود که بتواند بین دو همسر خود عدالت و انصاف را رعایت کند تا چه رسد که بین سه و چهار همسر بتواند عدالت برقرار کند .

« فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى وثلاث ورباع فان خفتم ان لا تعدلوا فواحدة »^۷

پیامبر نیز انسان بود.

به شهادت آیات متعدد قرآن کریم، حضرت محمد (ص) پیش از انتخاب شدن به رسالت الهی مانند انسان های دیگر بود با مردم معاشرت می کرد ، می خورد ، می آشامید ، دوست و دشمن داشت ، چیزی را می پسندید و چیز دیگری را نمی پسندید . خسته ، گرسنه و تشنه می شد و همه غرایز و خواسته های یک انسان را داشت . جوان عربی بود که چون دیگر عرب ها در شبه جزیره عربستان می زیست و با ویژگی های نژادی و اقلیمی آنجا بزرگ شده بود .

فرق عمده پیامبر(ص) با دیگران در این بود که آن حضرت در نهایت پاکی ، صداقت ، امانتداری و مهربانی و خداپرستی زندگی می کرد . به همین دلیل مردم او را به سفارت و نمایندگی برگزیدند .

پس از بعثت باز هم او یک انسان بود ، در میان مردم و با مردم زندگی می کرد . دارای عواطف انسانی بود ، زن می گرفت ، زنان خود را دوست داشت و با زنان و فرزندان خود آرامش می یافت ، ناراحت می شد و خوشحال ، چیزی برایش خوشایند و چیزی ناپسند بود . چنان که خداوند می گوید : « قل لانا انا بشر مثلکم یرحی الی »^۸ بگو من هم انسانی مثل شما هستم که برابرم وحی می شود . خود آن حضرت می فرمود : « حبب الی من دنیاکم النساء و الطیب و جعلت قره عینی فی الصلاة »^۹

یکی از بهانه هایی که کفار و مشرکان قریش برای ادامه بت پرستی خود و نپذیرفتن رسالت پیامبر اکرم (ص) می آوردند این بود که چگونه محمد ادعای پیامبری می کند در حالی که مانند ما، انسانی است که می خورد و می آشامد و مانند ما به بازار می رود و خرید و فروش می کند .

« قالوا انتم الا بشر مثلنا تريدون ان تصدونا عما كان يعبد آباؤنا فاتنونا بسلطان مبين »^{۱۰}

در جای دیگر می فرماید : « وقالوا ما لهذا الرسول ياكل الطعام ويمشي في الأسواق »^{۱۱}

بنابراین پیامبر اکرم (ص) یک انسان بود با همه غرایز انسانی که خداوند در وجود آدمی گذاشته است .

تک همسری در جوانی

اوج جوانی و طغیان غرایز جنسی در یک انسان بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی است . جوانی که لذت طلبی و کامجویی را پیشه کرده و مغلوب شهوت و غریزه جنسی شده باشد ، پیش از ۲۰ سالگی اقدام به ازدواج می کند . با مساعد بودن زمینه ممکن است او به انحراف و زنیاری کشیده شود . چنین جوانی تا ۳۰ سالگی تمام تلاش خود را برای فرونشاندن آتش شهوت خود به خرج خواهد داد . طبیعی است که تمایل او به زیباترین و جوان ترین زنان خواهد بود . و این تلاش هم چیزی نیست که از چشم مردم پنهان بماند .

تاریخ نویسان و محدثان اتفاق نظر دارند که پیامبر اکرم (ص) در سن ۲۵ سالگی ، در نهایت قدرت جسمانی با یک زن چهل ساله ازدواج کرد .^{۱۲} زنی که پیش از پیامبر(ص) دو مرتبه ازدواج کرده بود و از شوهران قبلی خود فرزندان نیز داشت .^{۱۳}

در اولین ازدواج جوان ۲۵ ساله هاشمی نیز ، این او نبود که برای ازدواج پیش قدم شد، بلکه خدیجه بانوی شریف ، با عقل و کمال و تدبیر با دیدن پاکی و راستی محمد امین ، به او پیشنهاد ازدواج داد ،^{۱۴} محمد جوان ازدواج با زن چهل ساله را پذیرفت . پیش از ازدواج با خدیجه (س) حتی دشمنان اسلام و پیامبر(ص) نیز، موردی را گزارش نکرده اند که پیامبر(ص) برای ازدواج اقدام کرده یا تمایلی نشان داده باشد . حتی دشمنانش او را به لذت طلبی و کامجویی متهم نکرده اند . این در حالی بود که پیامبر(ص) به دلیل موقعیت مناسب اجتماعی و اقتصادی می توانست زنان بسیاری اختیار کند. پیامبر جوان با همسرش خدیجه (س) که پانزده سال از او بزرگتر بود، به مدت ۲۵ سال زندگی کرد . ۱۵ سال پیش از بعثت و ده سال پس از آن ، در این ۲۵ سال نیز پیامبر هرگز برای

ازدواج دوم اقدام نکرد و همه می دانند که چه اندازه از خدیجه (س) راضی بود و او را دوست می داشت.^{۱۵} تا این که خدیجه (س) در سال دهم بعثت از دنیا رفت.^{۱۶}

سایر ازدواج های پیامبر (ص) پس از درگذشت خدیجه (س) صورت گرفت. در آن حال پیامبر (ص) پیرمرد ۵۰ ساله بود. در این سن دیگر تمایلی به زن باقی نمی ماند و قدرت مردانگی و غریزه جنسی فروکش می کند. از طرف دیگر رسول خدا (ص) پس از درگذشت خدیجه (س) تا آخرین لحظه زندگی تمام عمر خود را در بحران، جنگ و گرفتاری سپری کرده است. سه سال پس از خدیجه (س) در مکه تحت سخت ترین فشارها و شکنجه ها و آزارها قرار داشت. خصوصاً که دو حامی اصلی خود یعنی خدیجه (س) و ابی طالب به سرای باقی شتافته بودند و پیامبر (ص) و مسلمانان در برابر قریش مشرک تنها و بی دفاع و بی پناه بودند.

در مدینه نیز پیامبر (ص) همواره گرفتار جنگها، سریه ها، توطئه های دشمنان قریش، یهودیان مدینه و اطراف آن، و نیز منافقان درون جامعه اسلامی بود. او در مدینه سنگ بنای جامعه فرهنگ و تمدن نوینی را گذاشته بود و بسیار تلاش و رنج لازم داشت تا این بنا به ثمر برسد. رسیدگی و مراقبت و دفاع از نهال تازه غرس شده، دیگر وقتی برای رسول خدا نمی گذاشت تا به زن و مسائل مادی و دنیایی و لذت طلبی فکر کند و یا در این مسیر گامی بردارد.

از این گذشته، پیامبر اکرم (ص) یک زاهد پرهیزگار بود و از روی آوری به مظاهر دنیا پرهیز داشت. زینت ها و تجملات دنیا را ترک می کرد و به همسران خود نیز چنین دستور می داد.

جوانی که هم موقعیت اجتماعی و اقتصادی خوب داشت، هم قدرت و قوت جسمی، هم فراغت و خاطر جمعی برای ازدواج، با وجود این بر خلاف هنجار و رسومات موجود در جامعه عرب تا پنجاه سالگی با یک زن به سر برد، چگونه می توان گفت که پس از پنجاه سالگی به خاطر نیازهای جنسی با چندین زن ازدواج کرده است. این ادعای غیر منصفانه هیچ دلیلی ندارد و هیچ وجدان خالصی آن را نمی پذیرد.

پس نیازها، اهداف و مصلحت های دیگری برای ازدواج های پیامبر وجود دارد که لازم است آن ها را بررسی و روشن کنیم تا فلسفه چند همسری و تعدد ازدواج های پیامبر اکرم (ص) معلوم گردد.

فلسفه و اهداف ازدواج های پیامبر (ص)

برای روشن شدن اهداف رسول خدا (ص) از ازدواج ها و همسران متعدد لازم است نگاه کوتاهی داشته باشیم به زندگی و شخصیت همسران آن حضرت و نیز نحوه ازدواج پیامبر با آنان این

بررسی مختصر را در ضمن بر شمردن فلسفه و اهداف همسرگزینی پیامبر اکرم (ص) انجام خواهیم داد :

۱- سرپرستی زنان بیوه و بی پناه

برخی از زنانی که پیامبر(ص) با آنان ازدواج کرد از مسلمانان اولیه بودند که با شوهران مسلمان خود از ستم و شکنجه مشرکان قریش به حبشه مهاجرت کرده بودند. در آن جا شوهر خود را از دست داده، تنها و بی پناه مانده بودند. نمونه آن « سوده » دختر زمهه است ، که پیامبر(ص) پس از درگذشت خدیجه (س) با او ازدواج کرد .^{۱۷} همسر سوده ، سکران بن عمرو بود . زن و شوهر در همان آغاز به اسلام گرویدند و به خاطر نجات از شکنجه های قریشی ها به حبشه مهاجرت کردند . سکران در حبشه در گذشت و سوده بی سرپرست ماند و به ناچار به مکه بازگشت و به پیامبر(ص) پناه آورد ، پیامبر(ص) او را به عقد خود درآورد .^{۱۸}

اگر پیامبر(ص) او را نمی پذیرفت و سرپرستی نمی کرد و ناچار به بستگان مشرک خود مراجعه می کرد . آنان او را مجبور می کردند که دست از اسلام بکشد و به شرک آنان باز گردد . اگر سوده خواست بستگان خود را نمی پذیرفت تا دم مرگ شکنجه می شد و سرانجام جان خود را از دست می داد ، در این صورت مسلمانان دیگر اعتماد خود را نسبت به پیامبر(ص) از دست می دادند و رهبری او زیر سوال می رفت . این خود شکستی برای پیامبر(ص) بود .

نمونه دیگر این زنان ، ام حبیبه دختر ابوسفیان بود . او با شوهرش عبید الله بن جحش اسلام اختیار کردند و به حبشه رفتند تا از شر دشمنان که پدرش از سر سخت ترین آنان بود در امان بمانند .^{۱۹}

عبید الله شوهر او تحت تاثیر محیط مسیحی حبشه قرار گرفت و مسیحی شد و بعدا در همان جا درگذشت .^{۲۰}

ام حبیبه در سرزمین غربت تنها ماند ، او نمی توانست در مکه به نزد پدرش بازگردد زیرا ابوسفیان خود، سر دسته شکنجه گران مسلمین بود . پیامبر اکرم (ص) کسی را به حبشه فرستاد و از ام حبیبه خواستگاری کرد ، او هم با خوشحالی پذیرفت . در سال ششم هجرت ازدواج رسول خدا (ص) با ام حبیبه در مدینه صورت گرفت .^{۲۱}

پیامبر

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

۲- سرپرستی همسران شهدا

در هر کدام از جنگ های صدر اسلام تعدادی از مسلمانان به شهادت می رسیدند . همسران آنان اگر کسی را نداشتند و بی سرپرست می ماندند ، پیامبر اکرم (ص) آنان را جمع و سرپرستی می کرد و با برخی از آنان ازدواج نیز کرده است . طبیعی است سرپرستی همسران شهدا یک وظیفه الهی و اجتماعی است که بر عهده پیامبر(ص) بود .

از همسران شهدا که پیامبر(ص) آنان را به همسری خود برگزید یکی « ام سلمه » دختر ابی امیه است ، نام او هند بود و پیش از پیامبر(ص) با عبدالله ابی سلمه پسر عمه و برادر رضاعی پیامبر(ص) ازدواج کرده بود . آن دو در همان آغاز اسلام آوردند و به حبشه مهاجرت کردند . سپس به مدینه مهاجرت کردند .^{۲۲}

در جنگ احد ، ابی سلمه مجروح شد و بعدا در اثر همان جراحت شهید شد .^{۲۳} ام سلمه چون سرپرستی نداشت و دارای چندین یتیم بود،^{۲۴} پیامبر(ص) با او در سال چهارم هجری ازدواج کرد .^{۲۵} دیگری « حفصه » دختر عمر بود ، او و همسرش خنیس بن حذافه اسلام آوردند ، از ستم مشرکان ابتدا به حبشه و سپس به مدینه هجرت کردند .^{۲۶} شوهر او خنیس در جنگ بدر کشته شد .^{۲۷} رسول خدا (ص) با او که بی سرپرست شده بود و همسر شهید بود ازدواج کرد .^{۲۸}

«زینت» دختر خزیمه نیز همسر شهید بود . عبد الله بن حارث بن عبدالمطلب عمو زاده پیامبر از مسلمانان اولیه و از یاران آن حضرت بود . او با همسرش زینت به مدینه مهاجرت کردند . عبدالله در جنگ احد کشته شد ،^{۲۹} زینت که بی پناه شده بود به عقد پیامبر درآمد و زن او شد .^{۳۰}

۳- به دست آوردن قدرت

برخی از ازدواج های پیامبر اکرم (ص) ازدواج مصلحتی بود . از قبیله بزرگ و قدرتمند زن می گرفت تا حمایت آن قبیله را برای دفاع از اسلام و خود جذب کند . مانند ازدواج با میمونه دختر حارث ، که از خانواده بزرگ و سرشناس مکه بود ، میمونه ابتدا همسر ابی رهم بن عبد الله العزی بود شوهرش از دنیا رفته بود .^{۳۱} رسول خدا(ص) سال بعد از صلح حدیبیه برای زیارت خانه خدا وارد مکه شد . عباس عموی پیامبر(ص) که در مکه جا مانده بود ، ازدواج با میمونه را طبق مصلحت به رسول خدا پیشنهاد کرد .

آن حضرت پذیرفت و در سال هفتم هجری میمونه را برای خود عقد کرد .^{۳۲} ازدواج پیامبر(ص) با میمونه باعث شد که قبیله و خانواده او به اسلام گرایش پیدا کنند و به دفاع از پیامبر(ص) بپردازند و باعث تقویت اسلام و مسلمانان گردید .^{۳۳}

پیامبر

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

۱۲۲

۴- نرم کردن دشمنان

ابوسفیان از دشمنان قسم خورده اسلام بود و در بسیاری از جنگ ها فرماندهی دشمنان اسلام را او بر عهده داشت . دختر او ام حبیبه - چنان که گذشت - مسلمان شده و در حبشه بی سرپرست مانده بود . پیامبر(ص) با او ازدواج کرد تا موضع سرسختانه ابوسفیان نرم تر گردد.^{۳۴}

۵- ترمیم رابطه

صفیه دختر بن اخطب از یهودیان « خیبر » بود . پدر صفیه بزرگ بنی قریظه و نیز همراه او کتانه بن ربیع یهودی در جنگ خیبر کشته شدند . صفیه به اسارت مسلمانان درآمد . پیامبر(ص) ، صفیه را آزاد و سپس به همسری خود برگزید .^{۳۵} با این ازدواج اولاً وضعیت روحی صفیه بهبود پیدا کرد، ثانیاً بنی قریظه روابط خصمانه شان با مسلمانان تخفیف یافت و باعث نرم شدن آن ها و نزدیکی شان با پیامبر گردید .^{۳۶} و تعدادی از بستگان صفیه نیز به همراه خود او آزاد شدند .^{۳۷}

۶- باطل کردن عقائد جاهلی

زید ابن حارثه پسر خواننده رسول خدا(ص) بود و در خانه آن حضرت زندگی می کرد . پیامبر(ص) خود، زینب دختر جحش را که از مسلمانان اولیه بود به عقد پسر خواننده خود درآورد اما آن دو با هم نساختند و زید همسر خود را طلاق داد .^{۳۸} برخی گمان می کردند ازدواج با زن پسر خواننده ، مانند زن پسر واقعی جایز نیست . پیامبر اکرم (ص) با زینب ازدواج کرده^{۳۹} تا بر این عقیده خرافی بازمانده از دوره جاهلیت ، مبارزه و آن را باطل اعلام کند . در پی آن آیه نازل شد و با اشاره به ازدواج پیامبر با همسر پسر خوانده اش ، آن را بدون اشکال و درست دانست و آن را تایید کرد :
« فلما قضی زید منها وطرا زوجناها لکی لا یکون علی المومنین حرج فی ازواج ادعیائهم اذا قضوا منهن وطرا وکان امر الله مفعولاً »^{۴۰}

۷- سنت میانه روی

در آستانه ظهور اسلام ، ادیان همگانی و گسترش یافته، مسیحیت و یهودیت بود . دین یهود مردم را به دنیا و قدرت و ثروت دعوت می کرد و مردم آخرت و معنویات را فراموش کرده بودند . اما

مسیحیت پیروان خود را به گوشه گیری، ترک دنیا و دوری از لذت های آن فرا می خواند. پیروان مسیح راه رهبانیت را در پیش می گرفتند و معمولاً تن به ازدواج نمی دادند.

اسلام در میان افراط و تفریط راه میانه و اعتدال را در نظر گرفت. بین دنیا و آخرت جمع کرد و استفاده از لذت و نعمت های دنیا برای مسلمانان را حلال اعلام کرد: «یا ایها الذین آمنوا لا تحرما طیات ما احل الله لکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین، وکلوا مما رزقکم الله حلالا طیبا واتقوا الله الذی انتم به مومنون»^{۳۱} و باز خداوند می فرماید: «ورهبانیه ابتدعوها ما کتبنا علیهم الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها حق رعايتها»^{۳۲}

ازدواج های پیامبر(ص) به نوعی مخالفت با ترک کردن مظاهر دنیا و تن ندادن به ازدواج از طرف مسیحیان و برخی مسلمانان که تحت تاثیر آنان بودند به حساب می آید. پیامبر می خواست با این عمل خود سنتی نیز برای مسلمانان جهان و جزیره العرب بر جای بگذارد تا در آینده، مانند مسیحیان دچار انحراف و انزوا و رهبانیت نشوند.

تاکیدات و سفارشات بسیار پیامبر(ص) درباره ازدواج، و نیز جمع بین دنیا و آخرت گویای همین مطلب است. در جایی فرمودند: «از دین من نیست کسی که از زنان کناره گیرد، گوشت نخورد و گوشه نشینی اختیار کند»^{۳۳}

درباره جمع بین دنیا و آخرت فرمودند: «از ما نیست کسی که دنیا را به خاطر آخرت ترک کند و یا آخرت را به خاطر دنیا کنار بگذارد»^{۳۴}

پیروان اهداف و مقاصد ازدواج های پیامبر گرامی اسلام مطالب و مباحث فراوانی وجود دارد اما غرض ما - به دلیل تنگی وقت - اشاره مختصری به مساله بود و با همین نگاه کوتاه نیز هرانسان منصف و صاحب نظری به این نتیجه می رسد که در ازدواج های رسول(ص) خدا نه تنها مسائل نفسانی و غرایز پست بشری دخالت نداشته است، بلکه هر کدام از همسرگزینی های آن حضرت خود دلیلی بر پیامبری و عصمت او می باشد و نشان می دهد که همسرگزینی پیامبر(ص) نیز جنبه الهی دارد و سرشار از حکمت و معنویت است و با دستور خداوند و با مقاصد الهی و انسانی انجام گرفته است.

فلسفه هر کدام از ازدواج های پیامبر(ص) آن حضرت را در اوج انسانیت، مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی قرار می دهد. عملکرد پیامبر(ص) در این قسمت نیز می تواند درسی باشد برای انسان دوستی، رعایت حقوق دیگران و تعهد در برابر افراد بی سرپرست، یتیم و بی پناه جامعه، چنان که همه سیره آن حضرت سرشار از درس و پند و حکمت و آموزه های الهی و انسانی و بشر

دوستی است . امید است که جوامع اسلامی بتوانند از این حکمت ها و آموزه ها همچون چراغی برای روشن کردن راه خویش بهره ببرند .

مغرب

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

۱۲۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها :

- ^۱ تراجم سیدات بیت النبوه ، عاشیه عبد الرحمان بنت الشاطی ، دارالکتاب العربی ، بیروت ، ۱۴۰۴ق ، ص ۲۰۵
- ^۲ همان ص ۲۰۶
- ^۳ قرآن کریم ، زخرف ، آیه ۱۷
- ^۴ قرآن کریم ، حجرات ، آیه ۱۳
- ^۵ قرآن کریم ، آل عمران ، آیه ۱۹۵
- ^۶ المیزان فی التفسیر القرآن ، سید محمد حسین طباطبائی ، اسماعیلیان ، قم ، ۱۳۹۱ ، ج ۴ ، ص ۱۶۳
- ^۷ قرآن کریم ، نساء ، آیه ۳
- ^۸ قرآن کریم ، کهف ، آیه ۱۱۰
- ^۹ نهج البلاغه ، ترجمه ابوالقاسم پاینده ص ۲۸۳
- ^{۱۰} قرآن کریم ، ابراهیم ، آیه ۱۰
- ^{۱۱} قرآن کریم ، فرقان آیه ۷
- ^{۱۲} تاریخ الامم و الملوک ، ابن حدید طبری ، مطبعه الاستقامه ، قاهره ، ۱۳۵۸ ق ، ج ۲ ، ص ۴۱۲
- ^{۱۳} همان ، ج ۲ ، ص ۴۱۱
- ^{۱۴} اسدالغایه فی مصرفه الصحابه ، ابن اثیر ، دارالشعب ، بیروت ، ج ۵ ، ص ۲۶۰
- ^{۱۵} همان ، ص ۲۶۵
- ^{۱۶} همان
- ^{۱۷} همان ، ص ۳۱۹
- ^{۱۸} من هن زوجات الرسول فی الاخره ، محمد رضا الانصاری ، نشر زوف ، تهران ، ۱۳۸۱ش ، ص ۱۵۲

مفسر

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

۱۲۶

- ۱۹ المیزان فی التفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ق، ج ۴، ص ۲۱۰
- ۲۰ همان، ج ۲، ص ۴۱۰
- ۲۱ الوفا باحوال المصطفی، ابن جوزی، مصطفی عبد القادر عطا، دارالکتاب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق، ص ۶۶۹
- ۲۲ زندگانی حضرت محمد (ص)، ابن هشام، ترجمه سید هاشم رسولی، اسلامیة، تهران، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۴۱۹
- ۲۳ الطبقات الکبری، ابن سعد، الکتب العلمیه، بیروت، ج ۵، ص ۶۹
- ۲۴ المیزان فی التفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ق، ج ۴، ص ۴۱۰
- ۲۵ سیر اعلام النبلا، ۲، الذهبی، موسسه الرساله، بیروت، ج ۵، ص ۲۳۹
- ۲۶ اسد الغابه فی مصرفه الصحابه، ابن اثیر، دارالشعب، بیروت، ج ۵، ص ۲۵۰
- ۲۷ المیزان فی التفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ق، ج ۴، ص ۲۱۰
- ۲۸ قبلی، ج ۵، ص ۲۵۰
- ۲۹ قبلی، ج ۴، ص ۲۰۹ زندگانی حضرت محمد ۴/۱۹، المیزان ۴/۲۰۹
- ۳۰ همان
- ۳۱ سید اعلام النبلا، الذهبی، موسسه الرساله، بیروت، ج ۲، ص ۲۳۹
- ۳۲ زندگی حضرت محمد (ص)، ابن هشام، ترجمه سید هاشم رسولی، اسلامیة، تهران، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۲۴۷
- ۳۳ برخی گفتند: میمونه خود را به پیامبر عرضه کرد و آن حضرت هم پذیرفت.
- ۳۴ اسد الغابه فی مصرفه الصحابه، ابن اشیر، دار الشعب، بیروت، ج ۵، ص ۴۳۴
- ۳۵ همان، ص ۳۲۷

تفسیر

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

۱۲۷

۳۶ المیزان فی التفسیر القرآن ، سید محمد حسین طباطبائی ، اسماعیلیان ، قم ، ۱۳۹۱ق ، ج

۴، ص ۲۱۰

۳۷ اسدالغابه فی مصرفه الصحابه ، ابن اشیر ، دار الشعب ، بیروت ، ج ۵، ص ۳۲۷

۳۸ الطبقات الکبری ۸ ابن سعد ، الکتب العلمیه ، بیروت ، ج ۸، ص ۸۰

۳۹ قبلی، ج ۵، ص ۳۹۴

۴۰ قرآن کریم ، احزاب ، آیه ۳۷

۴۱ قرآن کریم ، مائده ، آیه ۸۷-۸۸

۴۲ قرآن کریم ، حدید ، آیه ۲۷

۴۳ وسائل الشیعہ ، ج ۶، ص ۱۱۹

۴۴ وسائل الشیعہ، ج ۱، ص ۱۰۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مخبر

اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص)

۱۲۸